

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ مارچ ۲۰۱۸

## به ارتباط درخواست پناهندگی "امراالله صالح"

پنجشنبه- ۰۹ حمل ۱۳۹۷ - کابل- در آغاز هفته یک خبر خیلی کوتاه به نشر رسید که "امراالله صالح" رئیس امنیت ضد ملی اسبق و یک تن از جواسیس کارکشته شورای نظار که در پیوند با رنگ قلاده آن به نهادهای استخباراتی جهان، وی نیز تغییر موضع داده است، از کشور استرالیا تقاضای پناهندگی نمود، که با جواب رد مواجه گردید. در اینجا بدون آن که وقت گرانبهای شما خوانندگان گرامی را به صحت و یا سقم این خبر ضایع بسازم، بحث خود را به این نکته معطوف می دارم که افراد به خصوص آنهایی که شریک در حاکمیت هستند، چرا و در تحت چه شرایطی و با کدام انگیزه، تقاضای پناهندگی از این و یا آن کشور می نمایند.

۱- قبل از ورود به اصل بحث باید تذکار دهم که پناهجویی و تقاضای پناهندگی سیاسی از کشوری نمودن یکی از حقوق حق هر انسانیت است که در کشور خود تحت تعقیب سیاسی قرار داشته و در صورت بیرون نشدن از کشورش، خطرات جانی و یا احتمال حبس های طویل المدت صرف به علت اعتقادات و فعالیت های سیاسی تهدیدش می نماید. این حق که به صورت رسمی از طرف اکثر کنوانسیون های بین المللی من جمله ژنیو منعقد ۱۹۵۰ نیز پذیرفته شده است، باعث گردیده تا کشور های عضو ملل متحد بر مبنای آن، قوانین مخصوص خودشان را با اگر و مگر های چندی تصویب و اعمال نمایند.

۲- هرچند در موارد استثنائی اتفاق افتاده که حکام برسر اقتدار و حتا رؤسای جمهور و شاهان نیز به علت تغییرات اساسی و تندی که در کشور شان اتفاق افتاده، مجبور به دادن تقاضای پناهندگی به کشور دیگری بگردند، مگر به صورت عام تقاضای پناهندگی کس و یا کسانی می دهد که به اساس فعالیت های سیاسی اش مورد تعقیب، اذیت، آزار، زندان و مجازات های سخت تر قرار گرفته و یا امکان آن وجود داشته باشد که قرار گیرد.

۳- با در نظر داشت شرایطی که در افغانستان وجود دارد و اخ و دپی که "امراالله صالح" از آن برخوردار است، همه شاهدیم که چنین مسأله ای فعلاً در مورد وی صدق نمی نماید، پس باید دید انگیزه و علت این حرکت "امراالله صالح" چیست؟ و چرا فردی که به ادعای خودش در کمترین وقت ممکن قادر بوده در رأس یک حرکت چند میلیونی قرار گیرد و از همان آدرس با دولت دست نشانده و "باندارگ" به داد و ستد سیاسی بپردازد، در اوج برخورداری از قدرت می خواهد، تقاضای پناهندگی دهد؟

۴- اولین مسأله ای که در چنین حالاتی ذهن انسان را به خود مشغول می دارد، می تواند دور نگری سیاسی باشد، بدان معنا:

الف- به اساس سابقه کار در استخبارات و برخورداری از امکانات مخفی معلومات دهنده تا اکنون، از طریقی اطلاع یافته است که "باندارگ" به خصوص جناح فاشیستهای آن، مصمم اند تا حساب کار با سکتاریست ها و ناسونالیست های تنگ نظر را تا تنور حمایت بی و چون چرای قصر سفید گرم است، یکسره سازند. به همین علت تقاضای پناهندگی داده است.

ب- باز هم از همان مجاری اطلاع یافته که دولت دست نشانده به دستور ارباب موظف شده است تا طالب را در حاکمیت شریک سازد. اینهم آشکار است که بازگشت طالب توأم با انتقام های خونینی از جمعیت اسلامی و شورای نظار به همراه خواهد بود که رقص مرگ داکتر "نجیب احمدزی" بر بالای طناب دار نزدش هیچ باشد.

۵- رد شدن تقاضای پناهندگی "امراالله صالح" از جانب استرالیا یکی از شرکای جنایات امپریالیسم امریکا، نشان از آن دارد که "امراالله صالح" نتوانسته آنها را قانع سازد که جانش در خطر است. چه بسا دولت استرالیا به منظور حفظ راز آشکار امپریالیسم وی را رد نموده باشد تا کسی متوجه نشود که در پس پرده سیاست در افغانستان چه می گذرد.

۶- دلیل دیگر تقاضای پناهندگی سیاسی، می تواند انگیزه شخصی داشته باشد. یعنی "امراالله صالح" به مانند میلیونها انسان دیگر به این فکر افتاده باشد که تا چه زمان پول جمع کند، باید تا قبل از آن که دیر شود جائی رفت که بشود از آن میلیونهای بادآورده حد اکثر استفاده را نمود، چه کشوری بهتر از استرالیا، زیلاند جدید و برخی از کشور های اروپای شرقی.

دلایل و انگیزه های دیگری نیز می توانند مطرح باشند که امید در آینده بدانها پرداخته شود

**دیده شود چه می شود!!**